

## جدایی بحرین نتیجه خیانت محمدرضا پهلوی نبود

شاهنشاه ایران با درایت و هوشمندی تبادل پایاپای سه جزیره با بحرین را انجام داد

## جزایر تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی

### مقدمه

کلمات یا واژگان بار مفهومی مشخص و معناداری دارند. اگر تفسیر و تعبیر شخصی برای همه امور جایز است. اما میل و سلیقه شخصی نمی تواند موید درستی یا نادرستی مفاهیم یا معانی یک کلمه یا واژه باشد. واژه "خیانت" بار مفهومی مشخصی دارد. هر کس و هر فرد نمی تواند با میل و سلیقه خود تاریخ را معناسازی و انگاره سازی نماید. مگر ادله و شواهد و استدلال محکم و وزینی را ارائه نماید.

بدین روی و بدون در نظر گرفتن رویدادهای تاریخی و جوانب پیرامونی در قضیه جدایی بحرین از ایران، متهم نمودن محمد رضا پهلوی به خیانت خودش مصداق خیانت به شخصیت یک فرد است. آنهم فردی که در پهنای تاریخ ایران و حاکمان جورواجور خائن و بی کفایت؛ بزرگترین خدمات به ایران در دوره پساحمله اعراب را داشته است.

درواقع در تاریخ تمدن ایران و به ویژه در دوران پساساسانی نمی توان فردی را یافت که بعنوان حاکم یا رهبر شاخص و اثرگذار همچون محمدرضا پهلوی یا دودمان پهلوی در توسعه و رشد ایران اثربخشی شایان و بی بدیل داشته باشد.

تاخت و تاز و قشون کشی و جنگ و نبرد برای تصرف سرزمین بخشی و برشی از ماهیت زیست بشری در تمامی اعصار تاریخ کلان بوده. و بوده رهبرانی که برای تمایل شخصی یا ماندگاری بر تخت و سلطنت و یا از روی ترس و ضعف و یا هر دلیل دیگر بخشی از سرزمین ملی را بذل و بخشش کنند. و چه بسا در تاریخ ایران نیز پیوسته شاهد رهبرانی بوده ایم که به دلایل متعدد چنین خیانتی را بر سرزمین ایران و مردم ایران روا داشته اند. این نیز بدان جهت است که تاریخ طویل ایران یک روند خاص و محدود نداشته و افراد و دودمان های مختلفی از قبیل ایرانی و غیرایرانی بر این سرزمین حکم رانده و بر سریر قدرت بوده اند. این روند و روال نامتعادل و نامتوازن از دوره پسا اسلام بر فلات ایران سایه افکنده و فرونشست و ناپیدایی امپراتوری عظیم و بی همتای پارسی - ایرانی بر بستر تاریخ کهن تا امروز برابند و بازتاب همین نوسان در حکمرانی و حاکمان بی لیاقت و بی درایت می باشد. و آثار این آمد و شد حاکمان گوناگون و نالایق و ناسزاوار بوده که ایران از پهناوری امپراتوری در قدیم به اندازه گربه امروزین مبدل شده است.

البته شایان به ذکر می باشد که مبانی نظری و عملی تسخیر و تصرف سرزمین ها از دوران گذشته تا به امروز تغییر بنیادی پیدا کرده و تسری و ادامه معیارهای دنیای قدیم به دنیا و دوران معاصر تقریباً ناممکن و نامحتمل بنظر می رسد. و شاید بتوان گفت جاری نمودن مصادیق و مفاهیم تسخیر و تصرف سرزمین

با مفاهیم و معیارهای قدیم در دوران مدرن امروز تا حد زیادی دور از واقعیت می باشد. لذا توسعه و تصرف سرزمینی با معیار و متد قدیمی تقریباً در دوران معاصر فروکش نموده.

مثلاً نمی توان تصرفات و قشون کشی بریتانیا، پرتغال، اسپانیا، هلند و آلمان و دیگر کشورهای نیرومند در قرون گذشته را در دوران معاصر تکرار نمود. یا اینکه قشون کشی نادر شاه به هند یا تصرفات اعراب مسلمان در دوره پسااسلام و یا تصرف سرزمینها توسط اوباش وحشی سلجوقیان و خوارزمیان ترک را با معیارهای امروزی انجام داد. لذا با قاطعیت باید گفت توسعه سرزمینی در گذشته تفاوت بنیادی با مبانی و معیارهای توسعه و رشد سرزمینی و یا توسعه اجتماعی و فرهنگی در دنیای معاصر دارد.

امروز یک کشور اروپایی براحتی جرات حمله به یک سرزمین کوچک را ندارد. معیار دنیای معاصر با قدیم فرق اساسی کرده. البته بوده اتفاقاتی که خارج از قاعده نیز رخ داده. حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳م. با اطلاع سازمان ملل و موافقت شورای امنیت رخ داد. داریم یک جانی خبیث در دوره مدرن بنام پوتین که جرات کرد بی رحمانه به کشور اوکراین تهاجم کند و مردم روسیه را به فلاکت نشاندد. از این دست تهاجم و غصب زمین بازهم داریم. ولی این تحرکات یک هنجار یا مبنا و پایه همگانی و گسترده در جامعه بین ملل ندارد.

ضمناً بواسطه آنچه بیان شد؛ این جمله از طرف حکومت فعلی که یک وجب خاک ایران در دوره ج.ا. از ایران جدا نشده یک جمله عوامفریبانه و نادرست است. چرا که در دوره مدرنیته (دنیای معاصر) دوره تصرف سرزمینها گذشته است. مگر با شرایط و دلایل خاص و احتمالاً با دخالت سازمان ملل تغییرات اقلیمی و سرزمینی انجام گیرد. امروز سازمانهای بین المللی نقشی بزرگ در تغییرات سرزمینی ایفا می کنند و دنیا گرفتار هرج و مرج و بی نظمی بمانند سابق نمی باشد. تصرف سرزمینی و تغییرات جغرافیایی حتی در حد اندک بندرت رخ می دهد.

و اگرهم گاها شاهد تصرفاتی می باشیم؛ دقیقاً بدان دلیل است که دیکتاتوری و خون آشامی آدمیزاد پایان ندارد. لذا بعید نمی باشد که حاکمانی پیدا شوند که به متد و معیارهای دنیای قدیم همچون جنگ و قتل عام و آدمکشی متوسل گردند. نمونه بارز در این مورد و در دوره اخیر شخص ولادیمیر پوتین دیکتاتور روسیه می باشد.

## ماجرای بحرین

به همین علت است که مفهومی با نام "خیانت محمدرضا پهلوی" در جدائی بحرین از ایران یک گزاره و پندار باطل و غیرواقعی قلمداد می گردد. مگر ممکن است پادشاه و فرمانروای پاک نهاد ایرانی چنین رفتار خبیثانه و خیانت آمیز را اعمال نماید؟!!

علیرغم سمپاشی پهلوی ستیزان:

بحرین بواسطه خیانت محمد رضا شاه از ایران جدا نشد

بلکه جدائی اجباری بحرین از ایران با مدیریت اصولی محمدرضا پهلوی منجر به تصرف سه جزیره «تنب بزرگ، تنب کوچک، ابوموسی» شد

### وضعیت بحرین قبل از استقلال

بحرین در زمان ساسانیان که بر خلیج فارس احاطه کامل داشتند توسط شاپور دوم به ایران الحاق شد. این الحاق تا ۱۵۰۵ میلادی در دوره صفویه پابرجا بود. در آن زمان پرتغال بعنوان نیروی قدرتمند اروپا بحرین را تصرف و در اختیار گرفت. از همان هنگام کلید استقلال بحرین زده شد. اما در قرن نوزدهم بریتانیا بر بحرین مسلط شد. بریتانیا با قدرتی که داشت شیخ بحرین را تحت حمایت خود قرار داد و حتی چند قرارداد محکم در حمایت بحرین انعقاد نمود. بحرین بمدت ۱۵۰ سال تا ۱۹۷۱م. در اختیار بریتانیا قرار داشت.

### وضعیت منطقه خلیج فارس در زمان جدائی بحرین

در آن دوره بجهت دو جنگ جهانی اول و دوم و بخصوص حکمرانی دودمان قاجار بی کفایت، حاکمیت ایران بر بحرین بشدت متزلزل شده بود. درحقیقت به دلیل فروپاشی رژیم سیاسی متمرکز و منسجم در ایران، کشور بشدت دچار مخصه و تشتت شده و از استقلال کامل بهره نمی برد. توجه شود که در آن برهه و بجهت اتفاقات جنگ دوم جهانی، سازمان ملل نیز میدان دار رخدادهای جهانی بود. فلذا به دو دلیل قیومیت و احاطه سازمان ملل بر امور جهانی و همچنین عدم برخورداری از توانمندی نظامی در ایران، امکان اقدام نظامی اثربخش از طرف ایران میسر نبود. به صورتی که در تابعیت از فضای آن دوره و ضعف مفرط حاکمیت منسجم در ایران که تابع سیاست های جهانی در این دو جنگ بود، ایران مطلقا قدرت مقابله با بریتانیا را نداشت. بریتانیا نیز با خواست و پول کشورهای عربی در حمایت از بحرین کوتاهی نمی کرد.

درواقع درمدتی که بریتانیا بر بحرین حاکم بود، عربستان و کشورهای عربی و بویژه عراق بشدت بر تضعیف ایران میکوشیدند تا بحرین را از ایران جدا گردانند. آنان یک طیف قدرتمند علیه ایران را تعبیه کرده بودند که از حمایت بریتانیا برخوردار بودند. در همین حین بریتانیا و کشورهای عربی با رهبری عربستان با کوچاندن اعراب به بحرین جمعیت مسلط عرب را در بحرین تثبیت می کردند. همین جمعیت عربی بود که بعدها خواهان استقلال بحرین از ایران گردید.

محمدرضا شاه پهلوی اصلا این وضعیت را تحمل نمی کرد و مخالف جدائی بحرین بود. همان زمان ایران در دو مرتبه به بریتانیا اعتراض شدید نمود. شاه در سال ۱۹۶۸م. بخاطر اعتراض به رفتار عربستان سفر خود را به عربستان لغو نمود. بارها از شیخ بحرین خواسته شد وفاداری خود را به ایران اعلام کند. اما شیخ بحرین تحت حمایت عربها و انگلیس ترسی از ایران نداشت. حتی ایران در سال ۱۳۳۶خ. رسماً بحرین را استان چهاردهم ایران اعلام نمود. اما شوربختانه هر چه شاه زور می زد، امکان اعاده بحرین میسر نمی شد. شاه ایران ترفندهای مختلف بکار می بست تا شاید بتواند بحرین را حفظ کند. هرچه شاه مخالفت می کرد، لیکن با وجود اصرار طیف کشورهای عربی و همچنین حمایت جامعه جهانی از تصمیم

سازمان ملل مبنی بر استقلال بحرین تلاشهای شاه ایران با شکست مواجه می گردید. دراصل استقلال بحرین با کسب موافقت اکثریت مردم عرب در بحرین در سازمان ملل کلید قطعی خورده بود.

ایران نیز ضمن اینکه فاقد پتانسیل قدرت نظامی برای جنگ گسترده در آن دوره بود، بلکه سازمان ملل نیز علیه خواست ایران موضع می گرفت. در این وضعیت شاه ایران ناچارا مجاب گردید تا سیاست دوپهلوی و دوگانه اتخاذ نماید. از طرفی از در صلح با اعراب و بریتانیا درآمد. و از طرفی بر حضور بیشتر از قبل خود در خلیج فارس اصرار نمود و بر مالکیت سه جزیره ایرانی پای فشرد. البته هرچند ایران در پی این سیاست منطقی و هوشمندانه توانست عرضه اندام سزاواری کند و جایگاه شایسته ای بر منطقه احراز کند. لیکن با این حال بعدها تصرف سه جزیره تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی با مشکل روبرو شد. ولی بجهت مدیریت اصولی و عقلایی شاه و به دلیل پیمان های نهانی با غرب و آمریکا و با موافقت عربستان، سرانجام ایران با فرمانروایی پادشاهی پهلوی توانست با حضور نظامی قدرتمند خود سه جزیره را به ایران بازگرداند.

این خلاصه ای از دلیل استقلال بحرین و جدایی آن از ایران بود. که شاه ایران محمدرضا پهلوی مجبور به معامله با قدرتهای جهانی و منطقه در اوضاع اسف بار ایران در دوره ۱۳۲۰ خ. (تبعید رضا شاه) تا دهه ۴۰ خورشیدی گردید. اگر دشمنان و بدخواهان خاندان پهلوی نقبی منصفانه به تاریخ معاصر بزنند خواهند فهمید که در آن اوضاع شاه ایران با نیرومندی و هوشمندی توانست تمام اقلیم خلیج فارس و جریان بحرین را مدیریت نماید. و اگرچه لاجرم شاه ایران مجبور به جدا نمودن بحرین از ایران گردید. ولی سه جزیره ارزشمند تا ابد برای ایران مانا گردیدند.

احمد علینقی

مرداد ۱۴۰۲